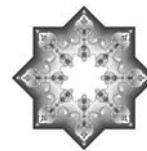


تأثیر رانت منابع طبیعی بر روی توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی کشورهای منتخب جهان)



یوسف محمدزاده^۱

فرهاد رهبر^۲

هادی قهرمانی^۳

از صفحه: ۷۷ تا ۹۸

تاریخ آرایه: ۹۴/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۰۳

چکیده

کارآفرینی یکی از مهم‌ترین راهبردهای مدیریتی هم در سطح خرد بنگاه‌ها و هم در سطح کلان اقتصادی محسوب می‌شود. ساختار نهادی ناسالم و عدم پویایی بخش خصوصی از موانع مهم در مسیر توسعه کارآفرینی محسوب می‌شود. در این میان وجود انواع رانت منابع طبیعی تأثیر عمیقی بر ساختار نهادی، حجم بخش دولتی، محدودیت‌های مکانیسم بازار و آزادی عمل فعالان اقتصادی می‌گذارد. لذا با توجه به ضرورت بررسی این موضوع، مطالعه حاضر با رویکرد کلان، به بررسی تأثیر انواع رانت منابع بر روی توسعه کارآفرینی پرداخته است. برای این کار از داده‌های تابلویی منتخبی از کشورهای جهان با رویکرد Dynamic Panel و با استفاده از نرم‌افزار Stata بهره گرفته شده است. نتایج برآورد مدل‌های مختلف نشان می‌دهد که وجود رانت منابع، تأثیر منفی بر روی توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای مورد بررسی داشته است. لذا منابع غنی طبیعی در مسیر سرمایه‌گذاری و حمایت از بخش خصوصی بکار گرفته نشده است. بررسی سایر عوامل مؤثر بر روی توسعه کارآفرینی نیز نشان می‌دهد که تولید داخلی سرانه، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، آزادی تجاری و کنترل فساد تأثیر مثبت بر روی شاخص کارآفرینی و حجم دولت تأثیر منفی بر روی توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دارد. تسهیل فضای کسب‌وکار و رقابتی نمودن آن، کاهش سهم بودجه از درآمدهای حاصل از خام‌فروشی و توسعه هدفمند روابط تجاری از جمله پیشنهادهای ارائه شده است.

واژگان کلیدی: توسعه کارآفرینی، رانت منابع طبیعی، اندازه دولت، فضای کسب و کار، داده‌های تابلویی.

۱- استادیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

۲- استاد اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

yo.mohammadzadeh@urmia.ac.ir

Frahbar@ut.ac.ir

Ghahramani.ha@ut.ac.ir

مقدمه

امروزه در کشورهای جهان به کارآفرینی^۱ اقتصادمدار در دانش مدیریت و اقتصاد توجه ویژه‌ای می‌شود. تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه اقتصادی^۲ از ابزار پیشرفت اقتصادی کشورها، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه است (کاظمی ترقبان و مبارکی، ۱۳۹۱، ۱۲۶). کارآفرینی به‌عنوان فرآیند شناسایی، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها در قالب راه‌اندازی و مدیریت کسب‌وکارهای جدید با هدف ارائه کالا یا خدمات جدید، نقش بسزایی در رشد اقتصاد ملی ایفا می‌کند (زالی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱). کارآفرینان از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، ایجاد شغل، رقابت و تشکیل شرکت‌های جدید، سهم مهمی در رشد اقتصادی دارند (محمودی مفید و منجم‌زاده، ۱۳۹۳، ۱۳۷). شرکت‌های جدید به‌عنوان یک شاخص کارآفرینی به رشد اقتصادی و بهره‌وری بالاتر، اشتغال بالاتر، نوآوری‌های تکنولوژیک بیشتر و سطوح بالاتر آموزش منجر می‌شوند (Hause & Rietz, 1984; Black & Strahan, 2002; Djancov & et al., 2010; Klapper & et al, 2007; Birch, 1987; ACS & Audretsch, 1990; Dias & Mcdermott, 2006). از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کارآفرینی می‌توان به شرایط اقتصادی و بازاری، ساختار و پویایی صنعت، چارچوب قوانین و سرمایه‌های اجتماعی اشاره کرد (کاظمی و شکیبیا، ۱۳۹۳، ۵). همچنین رانت‌های حاصل از منابع طبیعی نیز می‌تواند بر روی فعالیت‌های کارآفرینانه مؤثر باشد. رانت نفتی^۳، درآمد و درواقع جایزه‌ای است که بدون تلاش و به‌واسطه مالکیت بر منابع نفتی، عاید کشور دارنده این منابع طبیعی می‌شود (عسکری، ۱۳۸۹، ۱۸۳). حجم بزرگی از دولت در اقتصاد کشورهای دارای منابع غنی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و انگیزه‌های ایجاد کسب‌وکار پایدار را کاهش می‌دهد (Farzanegan, 2014, 3) و لذا باعث کاهش سهم کارآفرینی از تولید، توسعه اقتصادی و نوآوری می‌شود (Baumol, 2004, 11). رانت‌خواری و پروژه‌های همراه با فساد دارای عایدی مالی بالاتر از درگیری در کسب‌وکارهای مولد و به‌ویژه کسب‌وکارهای مبتنی بر نوآوری فردی و کارآفرینی خواهد بود و لذا کارآفرینی را کاهش خواهد داد (Farzanegan, 2014, 3).

از طرفی دیگر، رانت‌جویی گسترده می‌تواند باعث ایجاد فساد در دولت و نیز انحراف در تخصیص منابع شود که این امر سبب کاهش کارایی اقتصادی و افزایش نابرابری اجتماعی می‌شود

1 - Entrepreneurship
2 - Economic Development
3 - Oil Rents

(ابراهیمی و سالاریان، ۱۳۸۸، ۸۱). هم‌چنین رانت منابع طبیعی عاملان اقتصادی را تحریک می‌کند که برای دسترسی به این منابع به دولت رشوه بدهند (Sachs & Warner, 1995; Gylfason, 2001; Torvik, 2002). فساد از طریق در معرض خطر قرار دادن سود کارآفرینان، منجر به تهدید فعالیت‌های کارآفرینی و سست شدن این فعالیت‌ها می‌شود (Anokhin & Schulze, 2009, 465-466). سرکوب کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و کارآفرینی به‌عنوان موتور رشد اقتصادی بلندمدت در کشورهای دارای منابع غنی انرژی، نرخ بیکاری بالا (به‌ویژه برای افراد جوان) را به همراه خواهد داشت (Farzanegan, 2014, 4).

مجموعه عوامل فوق نشان می‌دهد که در صورت عدم مدیریت صحیح درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و نیز درآمدهای نفتی، این درآمدها می‌توانند سلامت اقتصاد کشورها را از طریق کانال‌های مختلف از جمله؛ کاهش نرخ اشتغال، کاهش انگیزه نوآوری و کارآفرینی تحت تأثیر قرار دهند. در این مطالعه سعی بر آن است که در کشورهای منتخب، به بررسی میزان و جهت اثرگذاری متغیر رانت کل منابع طبیعی و نیز رانت نفتی بر شاخص کارآفرینی در کنار سایر متغیرهای اثرگذار پرداخته شود و به این سؤال پاسخ داده شود که آیا رانت منابع طبیعی می‌تواند توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب را محدود کند؟ ارزیابی این رابطه می‌تواند گامی کلیدی برای توجه ویژه برنامه‌ریزان کشورهای دارای منابع طبیعی انرژی (به‌ویژه کشور ایران) در خصوص در اولویت قرار دادن کسب‌وکارهای نوآورانه و نیز کارآفرینی در سیاست‌گذاری‌های کلان به حساب آید.

مبانی نظری

رانت منابع طبیعی می‌تواند از طریق مکانسیم‌های مختلف، توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار دهد. وجود رانت‌های بزرگ در منابع طبیعی در یک جامعه می‌تواند باعث بروز فساد گسترده در ساختار اقتصادی آن جامعه شود (Arezki & Bruckner, 2009; Ades & Tella, 1999). فساد ایجاد شده می‌تواند از طریق کاهش کارایی اقتصادی و افزایش نابرابری اجتماعی زمینه‌های توسعه کارآفرینی در جامعه را سست نماید (Avnimelech & et al, 2014; Anokhin & Schulze, 2009).

درآمدهای حاصل از رانت منابع طبیعی منجر به بزرگ شدن اندازه دولت و افزایش مخارج دولتی شده و بزرگ شدن دولت (در مقابل کاهش حجم بخش خصوصی) می‌تواند منجر به کاهش

فعالیت‌های کارآفرینانه شود (Aidis & et al, 2010; parker, 2004; Henrekson, 2005). با حجیم شدن بخش دولتی، سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی و به دنبال آن سهم بخش خصوصی از کیک اقتصاد کاهش می‌یابد و عدم توجه به بخش خصوصی، موجب تضعیف کارآفرینی در جامعه می‌شود و در نتیجه انگیزه و تلاش برای ایجاد بنگاه‌های اقتصادی و کسب‌وکارهای کوچک پایدار کم می‌شود. مسلماً منافع مالی پروژه‌های رانتی و آلوده به فساد برای فعالان در این زمینه، بیش از منافع حاصل از کسب‌وکارهایی خواهد بود که مبتنی بر خلاقیت فردی، نوآورانه و تولیدی می‌باشند.

از سوی دیگر، وجود رانت منابع، امکان بالابردن مخارج عمومی اقتصاد را فراهم می‌کند. هزینه‌های عمومی بالا در واکنش به افزایش رانت منابع، تقاضا هم برای محصولات قابل مبادله (مانند تولید و کشاورزی) و هم برای محصولات غیرقابل مبادله (مانند خدمات و مسکن و مستغلات) را افزایش خواهد داد. تقاضای افزایش یافته برای محصولات تجاری می‌تواند از طریق افزایش واردات و بدون افزایش در قیمت‌ها تأمین شود ولی تأمین افزایش تقاضای ایجاد شده برای محصولات غیرتجاری با افزایش قیمت همراه خواهد بود. نرخ واقعی ارز که به صورت نسبت قیمت محصولات غیرقابل تجارت به محصولات قابل تجارت تعریف می‌شود، افزایش خواهد یافت و باعث خواهد شد که محصولات غیرنفتی در داخل کشور گران‌تر از بازارهای بین‌المللی شده و لذا سهم بازار کسب‌وکارهای کوچک غیرنفتی در بازارهای بین‌المللی و نیز حاشیه سود آن‌ها کاهش پیدا کند. این فرآیند، به بیماری هلندی مشهور است.

رشد اقتصادی یا همان رشد تولید داخلی یک کشور با ایجاد زمینه‌های مالی، رقابتی و تقویت صنایع وابسته پیشین و پسین نقش کلیدی در رشد کارآفرینی در آن جامعه دارد (Farzanegan, 2014; Farooq Hussain & et al, 2011; Akeju & Olanipekun, 2014). در ارتباط با این کانال، مطالعات متعددی وجود دارد که وجود رانت منابع طبیعی در اقتصاد را مانعی برای رشد اقتصادی می‌دانند. بدین صورت که، وفور منابع طبیعی منجر به ساختار اقتصادی متکی بر درآمدهای صادراتی حاصل از این منابع می‌شود و می‌تواند رشد اقتصادی را کاهش دهد (Behbudi & et al, 2010; Akkani, 2007; Ding & Field, 2005; Sachs & Warner, 1997;) (Sachs & Warner, 1999b). وابستگی به منابع طبیعی از جمله نفت، بر روی مکانیسم‌ها تأثیر گذاشته و این مکانیسم‌ها سبب کندی و یا صدمه دیدن رشد اقتصادی می‌شوند. بستر و

مکانیسم‌های مختلفی در مطالعات تجربی اقتصاددانان مختلف از جمله ساکس و وارنر^۱ (۲۰۰۱)، گیلفاسون^۲ (۲۰۰۱) و پاپیراکس و قزلاف^۳ (۲۰۰۴) برای اثرگذاری منابع طبیعی و از جمله درآمدهای نفتی بر کندی رشد اقتصادی مطرح شده است. ثروت منابع طبیعی و به طور خاص نفت، نیاز به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را که از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده رشد اقتصادی می‌باشند را کاهش می‌دهد (ابراهیمی و سالاریان، ۱۳۸۸، ۸۳-۸۲). هم‌چنین می‌توان گفت که نوسان قیمت جهانی منابع طبیعی، تولیدکنندگان اقتصادی را با نااطمینانی مواجه می‌کند و منجر به افزایش ریسک و کاهش انباشت سرمایه می‌شود. این استدلال برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI^۴) است. مطالعات نشان می‌دهد که بالا بودن رانت منابع طبیعی می‌تواند بر حجم سرمایه‌گذاری مستقیم در کشورهای دارای این منابع تأثیر معکوس داشته باشد (Melo & Quinn, 2015). درحالی‌که جریان ورودی FDI علی‌الخصوص برای کشورهای درحال توسعه، ضمن تأمین مالی سرمایه‌گذاری، با انتقال تکنولوژی به کشور میزبان نیز همراه است (Albulescu & Tamasila, 2014; Barbosa & Eiriz, 2009). حجم فعالیت‌های کارآفرینانه در یک کشور با حجم بالای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه مستقیم دارد. لذا می‌توان گفت که رانت منابع طبیعی می‌تواند از طریق کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، منجر به کاهش فعالیت‌های کارآفرینانه و در نتیجه مانع از توسعه کارآفرینی شود.

یکی از کانال‌های دیگر تأثیرگذاری رانت منابع بر توسعه کارآفرینی، آموزش و سرمایه انسانی می‌باشد. در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان، به آموزش و سرمایه انسانی (به‌عنوان یکی از اجزای اصلی موفقیت سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار) توجه کمی شده و در نتیجه مکانیزم عرضه و تقاضای سرمایه انسانی که یکی از عوامل مهم در ایجاد کسب‌وکار پایدار محسوب می‌شود، بر اساس اصول بازار صورت نمی‌پذیرد. لذا باید گفت که فراوانی منابع طبیعی می‌تواند انگیزه‌های بخش خصوصی و نیز بخش عمومی را به منظور انباشت سرمایه انسانی به دلیل وجود سطح بالایی از درآمد غیردستمزدی (ناشی از مالیات‌های پایین، پرداخت‌های اجتماعی و تقسیم سودهای مختلف) کاهش دهد.

1 - Sach & Warner

2 - Gylfason

3 - Papyrakis & Gerlagh

4 - Foreign Direct Investment

رونق رفتارهای رانت‌جویانه از دیگر این مکانسیم‌ها به شمار می‌رود. پیامدهای اصلی رفتارهای رانت‌جویانه در پدیده‌هایی از قبیل اختلال در تخصیص منابع، کاهش فعالیت‌های مولد، کاهش کارایی اقتصادی، افزایش نابرابری اجتماعی و کندی رشد اقتصادی نمود می‌باشد (سلمانی و یآوری، ۱۳۸۴). از سویی دیگر کاهش رشد اقتصادی به معنای کاهش سطح اشتغال (افزایش بیکاری) و نیز تضعیف انگیزه‌های ایجاد کسب و کار و توسعه کارآفرینی خواهد بود (Farooq Hussain & et al, 2011; Akeju & Olanipekun, 2014).

در نهایت، برخی مطالعات نشان‌دهنده تأثیر منفی وجود رانت‌های بزرگ منابع بر روی نوآوری و تحقیق و توسعه (R&D) می‌باشد. درآمدهای حاصل از منابع طبیعی می‌تواند از طریق بالابردن نرخ مبادله در کشورهای دارای این منابع، منجر به تضعیف صادرات و نیز تضعیف بخش تولید و صنعت شده و در نتیجه فعالیت‌های تحقیق و توسعه توسط این بخش‌ها را کاهش دهند. لذا می‌توان گفت که رانت حاصل از منابع طبیعی می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه شود (Dipietro, 2015). از سویی دیگر، مخارج R&D، از کانال‌های مختلف از جمله توسعه نوآوری و ارتقای بهره‌وری، موجب رشد و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در یک اقتصاد می‌شود (Cheol cin & et al, 2013; Farooq Hussain & et al, 2011; Choi & Phan, 2006).

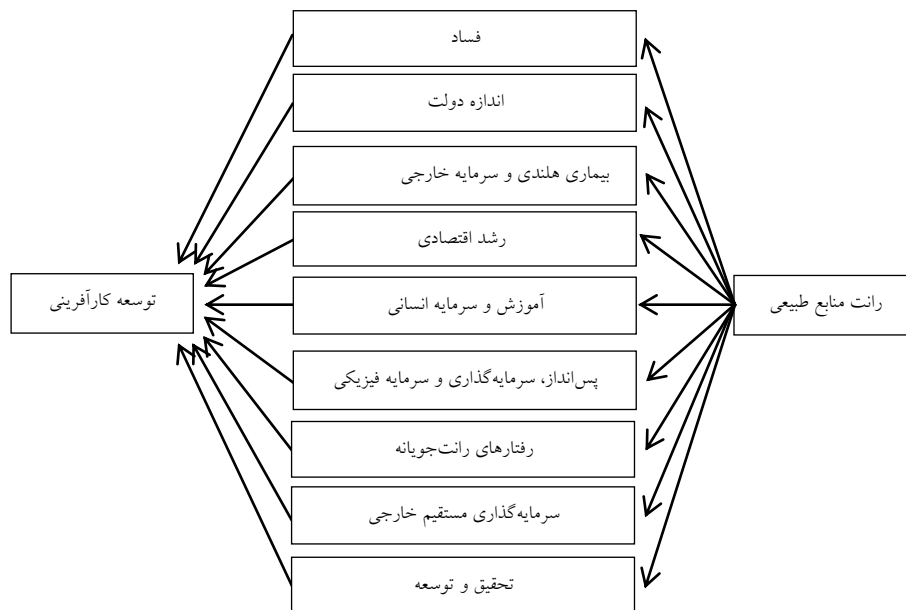
بر پایه بررسی مبانی نظری موضوع، کانال‌های تأثیرگذاری رانت منابع بر روی توسعه کارآفرینی بطور خلاصه در نمودار ۱، نمایش داده شده است.

مروری بر پیشینه تحقیق

بالاند و فرانسوا^۲ (۲۰۰۰) و تورویک^۳ (۲۰۰۲) به وسیله مدل تئوریک خود توضیح می‌دهند که چگونه کارآفرینی می‌تواند در نتیجه رونق منابع و افزایش رانت‌جویی، در حاشیه قرار گیرد. تورویک (۲۰۰۲) هم‌چنین نشان می‌دهد که رانت بالای منابع، یک عامل مهم در انتقال کارآفرینان از بخش مولد اقتصاد به فعالیت‌های رانت‌جویانه غیرمولد محسوب می‌گردد. بیشترین آثار زیان‌بار برای رشد اقتصادی یک کشور توسط منابع نقطه‌ای مانند انرژی و مواد معدنی پدید آمده است که سطوح بالاتری از رانت‌جویی و فعالیت‌های رانت‌خواهانه را باعث می‌شوند (Auty, 2001; Karl, 1997; Ross, 1999; Sala-I-Martin & Subramanian, 2003; Boschini & et al, 2007).

1 - Research & Development
2 - Baland & Francois
3 - Torvik

فرزانگان^۱ (۲۰۱۲) طی مطالعه‌ای با عنوان «ثروت منابع طبیعی: نعمت یا لعنت» با استفاده از داده‌های پانل برای بیش از ۸۰ کشور طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۴ نشان می‌دهد که وابستگی بالاتر در رانت منابع، فعالیت‌های کارآفرینی را کاهش می‌دهد. او هم‌چنین نتیجه می‌گیرد که منطقه‌ها کمترین رکورد را در ثبت مؤسسات کسب‌وکار جدید داراست. مدل تئوریک جورواتن و فرزانگان^۲ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که چگونه رانت بالای منابع می‌تواند منجر به بیکاری بالای جمعیت در سن کار و کنش متقابل بین بخش دولتی و کارآفرینان خصوصی در یک کشور دارای منابع غنی طبیعی شود. اگر تولید (به‌عنوان نماینده‌ای از بخش خصوصی تولید که کارآفرینان را نیز شامل می‌شود) پایین‌تر از سطح شاخص باشد، ما با یک تولید دارای سطح پایین تکنولوژی و اگر بالاتر از سطح شاخص باشد ما با یک تولید دارای سطح بالای تکنولوژی مواجه خواهیم بود. ایشان استدلال می‌کنند که رانت منابع، مردم را در بروکراسی و بیکاری گرفتار کرده و باعث محدود شدن تعداد افراد قابل استفاده برای تولید بخش خصوصی در نتیجه باعث کاهش ذخایر دانش در اقتصاد می‌شود.



نمودار ۱: ساختار مبانی نظری

1 - Farzanegan

2 - BJORVATN & FARZANEGAN

هم‌چنین فرزنانگان (۲۰۱۴) طی مطالعه‌ای یکی از کانال‌های انتقال نفرین منابع تحت عنوان «به حاشیه راندن فعالیت‌های کارآفرینی» را آزمون می‌کند. تجزیه و تحلیل داده‌های پانل این مطالعه برای ۶۵ کشور طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱، یک رابطه منفی و معنی‌دار آماری بین وابستگی به رانت‌های نفتی و شاخص کارآفرینی را نشان می‌دهد.

در ارتباط با تأثیر رانت حاصل از منابع طبیعی بر رشد اقتصادی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی به رابطه مثبت بین رانت منابع طبیعی و رشد اقتصادی دست‌یافته‌اند (Cavalcanti & et al, 2011; Brunnschweiler, 2008). برخی معتقدند که نحوه مدیریت دولتی و ساختار حکومتی می‌تواند جهت اثرگذاری رانت منابع بر رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد (Robinson & et al, 2006; Ebiki & Omgba, 2011). کنراد^۱ (۲۰۱۰) با استفاده از روش‌های تخمین بین‌کشوری به ارتباط بین وفور منابع طبیعی با رشد اقتصادی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند فرضیه نفرین منابع طبیعی در کشورهای در حال گذر تأیید می‌شود. اولایله^۲ (۲۰۱۰) نیز با استفاده از شاخص آزادی اقتصادی برای استان‌های کانادا و ایالت‌های آمریکا نشان می‌دهد وجود منابع طبیعی فراوان می‌تواند برای اقتصادهای برخوردار از این منابع به‌عنوان عامل بازدارنده عمل کند. رانت منابع طبیعی می‌تواند منجر به کاهش رشد اقتصادی گردد (Papyrakis & Gerlagh, 2007; Sachs, 1997a&b, 1999a, 1999b, 2001).

مهم‌ترین تمایز مطالعه حاضر با مطالعات قبلی انجام‌شده در داده‌های مربوط به شاخص کارآفرینی است. دو مطالعه قبلی (فرزانگان، ۲۰۱۴ و فرزنانگان، ۲۰۱۲) با استفاده از شاخص معرفی‌شده توسط گزارش‌های ویژه بانک جهانی (WBGES)^۳ و در نتیجه نبود کشور ایران در شاخص کارآفرینی ارائه‌شده توسط این مرکز، به بررسی تأثیر رانت کل منابع طبیعی و نیز رانت نفتی بر شاخص کارآفرینی پرداخته است درحالی‌که داده‌های مربوط به شاخص کارآفرینی مطالعه حاضر از مرکز دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)^۴ استخراج شده است که کشور ایران نیز در بین کشورهای موردبررسی قرار گرفته است.

1 - Alexeev & Conrad

2 - Olayelem

3 - World bank Group Entrepreneurship Survey

4 - Global Entrepreneurship Monitor

مدل تحقیق

در این بخش، به تحلیل رابطه بین رانت کل منابع طبیعی و توسعه کارآفرینی پرداخته می‌شود. شاخص کارآفرینی استفاده‌شده در این مدل، بیان‌گر نرخ کل کارآفرینی نوپا^۱ می‌باشد. دیده‌بان جهانی کارآفرینی فعالیت‌های کارآفرینانه در جهان را که بر ۳ محور گرایش‌ها، فعالیت‌ها و اشتیاق به توسعه کسب‌وکار استوار است، سنجش و ارزیابی می‌کند. فعالیت‌های کارآفرینانه شامل انواع فعالیت‌های مربوط به راه‌اندازی یا مدیریت کسب‌وکار جدید و باسابقه است که می‌تواند به‌تنهایی یا به کمک دیگران انجام پذیرد. نرخ کارآفرینی نوپا، نرخ کارآفرینی نوظهور، نرخ کارآفرینی جدید، کارآفرینی نوپای اجباری، کارآفرینی نوپای فرصت‌گرا، کارآفرینی تثبیت‌شده و نرخ خروج از کسب‌وکار از شاخص‌های مختلف این حوزه می‌باشند (مدرسی عالم و داودی، ۱۳۹۳، ۱۳۳). از میان این شاخص‌ها، نرخ کل کارآفرینی نوپا معیار اصلی برای مقایسه کشورها تلقی می‌گردد. طبق گزارش‌های این مرکز، شاخص کارآفرینی نوپا شامل دو مؤلفه فرعی نرخ کارآفرینی نوظهور (کمتر از ۴۲ ماه سابقه فعالیت و عدم پرداخت حقوق و دستمزد بیش از ۳ ماه) و نرخ کارآفرینی جدید (کمتر از ۴۲ ماه سابقه فعالیت و پرداخت حداقل ۳ ماه حقوق و دستمزد) می‌باشد. با توجه به پیشینه تحقیق و مطالعات صورت گرفته در ارتباط با شاخص کارآفرینی، این شاخص می‌تواند در قالب یک الگوی تجربی افزون بر رانت حاصل از منابع طبیعی، تحت تأثیر متغیرهایی نظیر شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات، درجه باز بودن تجاری، سطح درک و کنترل فساد، تولید ناخالص داخلی سرانه و نیز مخارج مصرفی دولت قرار گیرد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات از سخت‌افزار، نرم‌افزار، شبکه‌ها و رسانه‌های گروهی برای جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، پردازش، انتقال، و ارائه اطلاعات تشکیل شده است. فناوری اطلاعات با برخورداری از ویژگی‌ها و قابلیت‌های مختلف، توانسته است انعطاف‌پذیری قابل‌توجهی را در زمینه کارآفرینی در سازمان از خود نشان دهد. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: افزایش سرعت، افزایش دقت، ایجاد امکان کار تمام‌وقت، ایجاد امکان همکاری از راه دور و کاهش هزینه‌های سازمان (فیض و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۵۶).

آزادسازی تجاری باعث انتقال تکنولوژی از طریق واردات کالاهای سرمایه‌ای پیشرفته می‌شود، دسترسی تولیدکنندگان داخلی به بازارهای بزرگ خارجی و بین‌المللی را افزایش داده و لذا رقابت‌پذیری تولیدکنندگان و بنگاه‌های کارآفرین داخلی در بازارهای جهانی بیشتر می‌شود و نیز

سرمایه انسانی نیز در نتیجه انتقال دانش فنی و مهارت‌های لازم توسعه می‌یابد. افزایش در صادرات نیز از طریق افزایش به‌کارگیری منابع استفاده‌نشده می‌تواند منجر به ایجاد انگیزه کارآفرینی شود (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۴).

وجود فساد در جامعه باعث خواهد شد که منابع به طور کارا تخصیص پیدا نکنند و توسعه اقتصادی با مشکل مواجه گردد. فساد می‌تواند از طریق ثابت نگه‌داشتن وضع موجود، مانع از نوآوری شده و از طریق جذب بخش زیادی از درآمدهای تولید باعث کاهش سودآوری شرکت‌ها و نیز با افزایش انحصارات مانعی بزرگ بر سر راه کارآفرینی و نوآوری به حساب آید (گری و کافمن^۱، ۱۹۹۸). بنابراین با شناسایی سایر متغیرهایی که می‌تواند بر روی کارآفرینی موثر باشد، مدل این تحقیق بصورت زیر ارائه می‌شود:

$$tea_{ij} = c + \beta_1 tea(-1)_{ij} + \beta_2 tnrent_{ij} + \beta_3 gdppr_{ij} + \beta_4 govexp_{ij} + \beta_5 intusr_{ij} + \beta_6 trdoen_{ij} + \beta_7 corrper_{ij} + \varepsilon_{ij}$$

$$tea_{ij} = c + \theta_1 tea(-1)_{ij} + \theta_2 oilrent_{ij} + \theta_3 gdppr_{ij} + \theta_4 govexp_{ij} + \theta_5 intusr_{ij} + \theta_6 trdoen_{ij} + \theta_7 corrper_{ij} + \varepsilon_{ij}$$

در مدل‌های فوق tea بیانگر نرخ کل کارآفرینی نوپا، c عرض از مبدأ مدل، $tea(-1)$ وقفه اول نرخ کل کارآفرینی نوپا، $tnrent$ رانت کل منابع طبیعی^۲ (درصدی از تولید ناخالص داخلی)، $oilrent$ رانت نفتی^۳ (درصدی از تولید ناخالص داخلی)، $gdppr$ تولید ناخالص داخلی سرانه (به قیمت‌های ثابت ۲۰۰۵ دلار آمریکا)، $govexp$ مخارج دولت (به قیمت‌های ثابت ۲۰۰۵ دلار آمریکا)، $intusr$ تعداد کاربران اینترنتی (به ازای هر ۱۰۰ نفر)، $trdoen$: درجه باز بودن تجاری (که از حاصل جمع صادرات و واردات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است)،

1 - Gray & Kaufmann

۲ - طبق اطلاعات بانک جهانی، رانت کل منابع طبیعی شامل رانت نفت، رانت گاز، رانت حاصل از وجود جنگل‌ها، رانت زغال‌سنگ و رانت مواد معدنی می‌باشد.

۳ - طبق تعریف بانک جهانی، رانت نفتی بر مبنای تفاوت بین ارزش تولید در قیمت‌های جهانی و هزینه‌های تولید محاسبه شده است.

corper درک فساد^۱ و ϵ جزء اخلاص مدل رگرسیونی می‌باشد. داده‌های مورد بررسی شامل ۳۲ کشور منتخب دنیا^۲ و برای دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ می‌باشد.

روش شناسی تحقیق

داده‌هایی که هم دربرگیرنده عناصر سری‌های زمانی و هم مقطعی است، به‌عنوان پانلی از داده‌ها یا داده‌های طولی^۳ شناخته می‌شوند. داده‌های پانل حاوی اطلاعات بیشتر، تنوع گسترده‌تر و هم‌خطی کمتر میان متغیرها بوده و در نتیجه کاراتر می‌باشند. یکی از روش‌هایی که عموماً بر اساس تفاضل‌ها عمل می‌کند روش گشتاورهای تأمیم‌یافته می‌باشد. چون به‌طور کلی، در یک مدل تعداد برآوردگرهای به‌دست‌آمده بر اساس متغیرهای ابزاری برای یک پارامتر بخصوص زیاد می‌باشد، لذا روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۴ به‌عنوان یک روش جایگزین برای برآوردیابی مدل‌های رگرسیون خطی پویای پانلی ارائه می‌شود (کاجی، ۱۳۸۶). بنابراین در تخمین مدل فوق، از روش پانل پویا یا همان روش گشتاورهای تأمیم‌یافته استفاده شده است. این تخمین‌زن از طریق کاهش تورش نمونه، پایداری تخمین را افزایش می‌دهد. سازگاری تخمین زننده GMM به معنای بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به‌وسیله دو آزمون تصریح‌شده توسط آرلانو و باند^۵ (۱۹۹۱)، آرلانو و بوور^۶ (۱۹۹۵) و بلوندل و باند^۷ (۱۹۹۸) آزمون شود. اولی آزمون سارگان^۸ از محدودیت‌های از پیش تعیین‌شده است که معتبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند. دومی آماره M_2 است که وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند. عدم رد فرضیه صفر هر دو آزمون شواهدی را دال بر فرض

۱- طبق گزارش مجمع تشخیص مصلحت نظام، شاخص درک فساد بر روی فساد در بخش عمومی (شامل دولت) متمرکز شده است و فساد را سوءاستفاده بخش عمومی و دستگاه‌های دولتی از منافع جامعه تعریف می‌نماید. این شاخص منعکس‌کننده نظرات کارآفرینان و تحلیل‌گران (شامل افراد مقیم در هر کشور) می‌باشد. کشور با کمترین نمره دارای بالاترین درجه فساد بوده و بالعکس کشوری با بالاترین نمره دارای کمترین درجه فساد می‌باشد.

۲- کشورهای مورد مطالعه شامل ایران، آرژانتین، ونزوئلا، عربستان سعودی، آنگولا، الجزایر، اکوادور، قطر، امارات متحده عربی، لیبی، قزاقستان، مصر، برزیل، شیلی، چین، کرواسی، دانمارک، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، هلند، نروژ، آفریقای جنوبی، انگلستان، ایالات متحده، روسیه، کلمبیا و تایلند می‌باشد.

3 - Longitudinal Data

4 - Generalized Method of Moments (GMM)

5 - Arellano & Bond

6 - Arellano & Bover

7 - Blundell & Bond

8 - Sargan Test

عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می‌کند، زمانی که همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد.

مطالعه حاضر جزء مطالعات تحلیلی توصیفی از نوع تجربی و از لحاظ جمع‌آوری داده‌ها کمی از نوع آزمایشی و از لحاظ هدف، کاربردی است. در این مطالعه به منظور بررسی اثر رانت منابع و رانت نفتی بر شاخص کارآفرینی از داده‌های تابلویی ۳۲ کشور منتخب دنیا در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، بر مبنای حداکثر اطلاعات موجود (دارای منابع طبیعی از جمله نفت و داده‌های کافی برای شاخص کارآفرینی) استفاده شده است. این نمونه با هدف حجم بزرگ و در نظر گرفتن تنوع موقعیت جغرافیایی کشورها با مضمولیت کشور ایران انتخاب شده است. اما با توجه به مشکلات متعدد در این نمونه از کشورها، مطالعه حاضر با محدودیت‌های مختلف داده‌ای مواجه بوده است. داده‌های این مطالعه از اطلاعات آماری بانک جهانی و شاخص کارآفرینی از مرکز دیده‌بان جهانی کارآفرینی و درک فساد نیز از سازمان شفافیت بین‌المللی استخراج شده و از نرم‌افزار Stata14 به منظور برآورد مدل‌ها استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

در ابتدا به برآورد اثر رانت کل منابع طبیعی بر شاخص کارآفرینی پرداخته می‌شود. بدین منظور تخمین از مدل‌های ساده‌تری شروع شده تا در نهایت نتایج نهایی در ستون ۴ (مدل ۳ در جدول) برای ارزیابی مورد استفاده قرار گیرد:

جدول ۱: برآورد تأثیر رانت کل منابع طبیعی بر روی شاخص کارآفرینی در کشورهای منتخب دنیا

| Variables | Model 1 | Model 2 | Model 3 |
|-----------------------------------|--------------------------------------|--------------------------------------|--------------------------------------|
| tea(-1) | ۰/۲۳۳۴۶۷۹ (۴/۷۴°) | ۰/۲۵۷۸۷۷۹ (۲/۹۴°) | ۰/۲۷۰۲۰۵۴ (۲/۴۴°) |
| c | ۳/۷۳۴۴۷۷ (۱/۷۳°) | ۲/۹۶۶۵۲۶ (۱/۰۱) | -۳/۵۶۲۷۵۴ (-۰/۷۸) |
| tnrent | -۰/۲۱۵۴۸۴ (-۴/۳۹°) | -۰/۲۵۸۸۵۰۴ (-۴/۸۴°) | -۰/۲۲۵۶۸۳۲ (-۳/۷۳°) |
| gdpper | ۰/۰۰۰۳۶۰۸ (۴/۵۵°) | ۰/۰۰۰۲۸۶ (۳/۹۷°) | ۰/۰۰۰۱۸۸۲ (۲/۳۵°) |
| govexp | -۲/۴۸×۱۰ ^{-۱۱} (-۲۰/۹۶°) | -۲/۴۶×۱۰ ^{-۱۱} (-۱۸/۴۱°) | -۲/۴۳×۱۰ ^{-۱۱} (-۳۱/۴۷°) |
| intusr | ۰/۰۶۵۹۵۳۶ (۴/۵۵°) | ۰/۰۶۳۳۵۳۴ (۴/۲۶°) | ۰/۰۷۱۱۶۵۴ (۵/۲۷°) |
| trdoen | - | ۰/۰۲۵۹۵۹۹ (۲/۲۰°) | ۰/۰۳۱۶۷۸۸ (۲/۷۱°) |
| corper | - | - | ۱/۲۸۲۶۴۹ (۲/۰۶°) |
| Sargan test | ۰/۹۹ | ۰/۹۹ | ۰/۹۹ |
| First order autocorrelation test | ۰/۰۴۸۰ | ۰/۰۴۱۲ | ۰/۰۱۳۷ |
| Second order autocorrelation test | ۰/۳۹۰۴ | ۰/۴۱۱۴ | ۰/۴۹۶۹ |

*** و ** و * به ترتیب سطح معنی داری ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ضریب متغیر نرخ کارآفرینی نوپا با یک وقفه مثبت و معنادار است. این نتیجه نشان از پویایی کارآفرینی در طی زمان است، به‌طوری‌که کارکرد بازار کارآفرینی در دوره جاری به دوره بعد نیز گسترش می‌یابد. رانت کل منابع طبیعی به‌عنوان متغیر اصلی هر ۳ مدل، تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ کارآفرینی نوپا دارد به‌طوری‌که یک درصد افزایش در رانت کل منابع طبیعی، به ترتیب نرخ کارآفرینی نوپا را به میزان ۰/۲۲، ۰/۲۶ و ۰/۲۳ درصد کاهش می‌دهد. تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر مثبت بر نرخ کارآفرینی نوپا دارد. این تأثیر در سه مدل به ترتیب در سطوح ۱ درصد، ۱ درصد و ۵ درصد معنی‌دار بوده و با نتایج مطالعات قبلی سازگار است. مخارج دولت تأثیر منفی و معنادار بر نرخ کارآفرینی نوپا دارد که با انتظارات نظری سازگار است. افزایش تعداد کاربران اینترنتی به‌عنوان شاخصی از بهبود در فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر مثبت بر نرخ کارآفرینی نوپا داشته و معنادار می‌باشد. درجه باز بودن تجاری اثر مثبت و معنادار بر نرخ کارآفرینی نوپا در کشورهای موردبررسی داشته است به‌طوری‌که با یک درصد افزایش در متغیر درجه باز بودن تجاری، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، نرخ کارآفرینی نوپا در مدل‌های ۲ و ۳ به ترتیب حدود ۰/۲۶ و ۰/۳۲ درصد افزایش یافته است. درنهایت درک

فساد در مدل ۳ در سطح معنی‌داری ۵ درصد باعث افزایش نرخ کارآفرینی نوپا در نمونه موردبررسی گردیده است. بدین معنا که کشورهای دارای سطح درک فساد بالا (بهبود وضعیت کنترل فساد)، دارای نرخ بالای کارآفرینی نوپا می‌باشند.

آزمون سارگان به منظور تعیین هر نوع همبستگی بین ابزارهای مورد استفاده و خطاها بکار می‌رود. سازگاری برآوردگر گشتاورهای تأمین یافته، بستگی به معتبر بودن ابزارهای بکار رفته دارد. برای این که ابزارها معتبر باشند، باید بین ابزارها و جملات خطا همبستگی وجود نداشته باشد. فرضیه صفر این آزمون نشان می‌دهد که ابزارها معتبر می‌باشند. عدم رد فرضیه صفر می‌تواند نشان از مناسب بودن ابزارهای بکار رفته باشد. با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه صفر آزمون سارگان (متغیرهای ابزاری استفاده شده با پسماندها همبسته نیستند) را نمی‌توان رد کرد لذا می‌توان گفت که متغیرهای ابزاری استفاده شده در این مدل‌ها مناسب می‌باشند. هم‌چنین آزمون همبستگی سریالی که در آن جملات خطا در رگرسیون تفاضلی مرتبه اول همبستگی سریالی مرتبه دوم را نشان نمی‌دهند را نمی‌توان رد کرد.

در ادامه به منظور حصول به نتایج دقیق‌تر، تأثیر رانت نفتی به عنوان یکی از اجزای مهم تشکیل دهنده رانت کل منابع طبیعی بر نرخ کارآفرینی نوپا موردبررسی قرار می‌گیرد. در این قسمت نیز برای اطمینان از نتایج حاصله و رسیدن به مدل اصلی از تخمین‌های اولیه استفاده شده است. تخمین نهایی در مدل ۳ جدول ارائه شده است:

بر اساس نتایج جدول ۲، در سطح کشورهای موردبررسی، تمامی ضرایب از نظر آماری و تئوری اقتصادی معنی‌دار است. نرخ کارآفرینی نوپا با یک وقفه تأثیر مثبت و معنادار بر نرخ کارآفرینی نوپا داشته است. متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه، شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات و درجه باز بودن تجاری بر متغیر وابسته مدل (نرخ کارآفرینی نوپا) تأثیر مثبت و معنادار در سطوح معناداری ۱ و ۵ درصد دارد. افزایش مخارج نهایی مصرفی دولت باعث کاهش شاخص کارآفرینی شده است. ضریب این متغیر با توجه به متغیرهای مستقل دیگر قابل توجه است. با بهبود وضعیت کنترل فساد در کشورهای موردبررسی، نرخ کارآفرینی نوپا افزایش یافته است. این افزایش در ازای یک درصد افزایش در درک فساد به میزان ۰/۹۹ درصد بوده است. در نهایت متغیر اصلی مدل یعنی رانت نفتی اثر منفی و معنادار بر شاخص کارآفرینی داشته است که این اثر در ۳ مدل موردبررسی در سطح کمتر از ۵ درصد معنی‌دار بوده است.

جدول ۲: برآورد تأثیر رانت نفتی بر روی شاخص کارآفرینی در کشورهای منتخب دنیا

| Variable | Model 1 | Model 2 | Model 3 |
|-----------------------------------|--------------------------------------|--------------------------------------|--------------------------------------|
| tea(-1) | ۰/۲۳۳۳۰۴۸ (۲/۸۹°) | ۰/۳۲۵۰۸۴۴ (۴/۳۰°) | ۰/۳۲۸۷۴۴۹ (۲/۵۱°) |
| c | ۳/۸۹۰۲۸۲ (۱/۷۵°) | ۱/۹۷۸۱۳۷ (۰/۶۶) | -۳/۱۳۸۹۰۱ (۰/۸۰) |
| oilrent | -۰/۲۶۴۷۲۳۳ (-۲/۰۵°) | -۰/۶۷۰۲۵۳۴ (-۲/۶۵°) | -۰/۷۰۸۰۰۳۳ (-۲/۰۰°) |
| gdpper | ۰/۰۰۰۳۱۵ (۳/۹۰°) | ۰/۰۰۰۳۲۷۶ (۳/۹۵°) | ۰/۰۰۰۲۵۸۶ (۳/۰۱°) |
| govexp | -۲/۵۹×۱۰ ^{-۱۱} (-۳۰/۶۸°) | -۲/۴۳×۱۰ ^{-۱۱} (-۱۴/۸۱°) | -۲/۴۱×۱۰ ^{-۱۱} (-۲۱/۹۳°) |
| intusr | ۰/۰۷۰۲۱۹ (۴/۵۸°) | ۰/۰۵۷۹۰۹ (۳/۳۰°) | ۰/۰۶۴۲۷۹۵ (۴/۲۵°) |
| trdoen | - | ۰/۰۳۲۴۴۷۸ (۲/۰۲°) | ۰/۰۳۷۳۱۴۶ (۲/۲۶°) |
| corper | - | - | ۰/۹۹۳۶۴۴۷ (۱/۸۸°) |
| Sargan test | ۰/۹۹ | ۰/۹۹ | ۰/۹۹ |
| First order autocorrelation test | ۰/۰۵۰۱ | ۰/۰۸۳۴ | ۰/۰۱۸۵ |
| Second order autocorrelation test | ۰/۵۴۵۰ | ۰/۷۱۰۸۱ | ۰/۷۱۹۹ |

***، ** و * به ترتیب سطح معنی داری ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در خصوص این‌که وفور منابع طبیعی به عنوان ثروت‌های خدادادی در اقتصاد جوامع چه کارکردهایی می‌تواند داشته باشد، دو رویکرد متفاوت وجود دارد. رویکرد اولیه و منطقی این است که وجود چنین منابعی می‌تواند با جذب و تشکیل سرمایه کافی برای اجرای برنامه‌های هزینه‌بر (که ممکن است بخش خصوصی یا دولتی قادر به تأمین مالی آن نباشند) از جمله تحقیق و توسعه، حمل‌ونقل، آموزش، بهداشت، تقویت بنیه دفاعی و غیره، بسترهای لازم برای توسعه و پیشرفت اقتصادی را فراهم آورد. در عمل و با مطالعات تجربی چنین رویکردی علی‌الخصوص در مورد کشورهای نفت‌خیز تجربه نشده است. البته این به معنی رد عواید وجود منابع طبیعی از کانال‌های فوق بر اقتصاد نیست، بلکه احتمال وجود کانال‌های دیگری از کارکرد وفور منابع در اقتصاد که منجر به بروز موانع توسعه در کشورها می‌شود، تقویت می‌گردد.

در رویکرد دوم به وفور منابع طبیعی، بر روی سایر شرایط و کانال‌هایی که وجود این منابع منجر به نتایج منفی برای اقتصاد می‌گردد، تأکید می‌شود. مطالعات حاکی از آن است که وفور منابع

طبیعی می‌تواند از کانال‌های مختلف از جمله ایجاد دولت بزرگ و ناکارا، رفتارهای رانت‌جویی، محدودیت‌های بیشتر در مکانیسم بازار و آزادی اقتصادی، مصرف‌گرایی، فساد، بی‌ثباتی اقتصادی با توجه به نوسانات بازاری این منابع (مانند نوسانات قیمتی و شوک‌های تقاضا) و وابستگی به دنیای خارج موانع جدی در مسیر توسعه اقتصادی ایجاد کند. در خصوص این رویکرد، نظریات جدید از جمله تئوری بلای منابع و بیماری هلندی وارد ادبیات اقتصادی شده است. برخی از این مطالعات در ادبیات موضوعی تحقیق مرور گردید.

بنابراین، به نظر می‌رسد توجه و بررسی‌های بیشتر در خصوص کانال‌های تأثیرگذاری وفور منابع طبیعی در اقتصاد کشورها، برای نیل به مدیریت راهبردی این منابع در جهت تبدیل آن از یک مانع توسعه به بستر توسعه، ضروری به نظر می‌رسد. همان‌طور که در بخش مبانی نظری مطالعه بیان شد، اثرات منفی وفور منابع طبیعی در اقتصاد، بیشتر از کانال‌های غیرمستقیم و مؤثر بر شرایط و فضای اقتصاد جوامع است. از این منظر، بسیاری از متغیرهای مهم اقتصادی از چنین شرایطی متأثر می‌گردند. نوآوری و کارآفرینی از جمله ضروریات اقتصادها برای توسعه و رقابت‌پذیری در سطح جهانی هستند که بطور مستقیم از شرایط حاکم بر فضای نهادی، اجتماعی و اقتصادی جوامع تأثیر می‌پذیرند. بنابراین رویکرد مقاله حاضر، پرداختن به اثرات رانت منابع طبیعی بر روی توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه می‌باشد.

در مطالعه حاضر، به منظور بررسی تأثیر رانت منابع طبیعی بر توسعه کارآفرینی، از نمونه ۳۲ کشور جهان طی دوره ۲۰۰۱-۲۰۱۴ استفاده گردید. نتایج برآورد مدل‌های رگرسیون پویا حاکی از آن است که وجود وفور منابع طبیعی، موجب کاهش فعالیت‌های کارآفرینانه در جوامع می‌شود. برای نیل به نتایج قابل اعتمادتر، تأثیر رانت نفتی نیز بر روی فعالیت‌های کارآفرینانه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج مشابه با رانت کل منابع طبیعی را به همراه داشت. لذا فرضیه اثرات منفی وفور منابع طبیعی بر روی توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه را نمی‌توان در کشورهای مورد بررسی رد کرد. البته این نتایج با مطالعاتی از جمله فرزانگان (۲۰۱۲)، فرزانگان (۲۰۱۴)، تورویک^۱ (۲۰۰۲) بالاند و فرانسوا^۲ (۲۰۰۰) سازگار می‌باشد.

بنابر مبانی نظری موضوع، وجود رانت منابع طبیعی از کانال‌های مختلف می‌تواند بر روی کارآفرینی در جامعه تأثیر بگذارد. از جمله این کانال‌ها می‌توان به کاهش در فعالیت‌های تحقیق و

1 - Torvik

2 - Baland & Francois

توسعه، ایجاد محدودیت در آموزش و سرمایه انسانی، و نیز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بیماری هلندی اشاره کرد.

در مورد نتایج بررسی سایر عوامل مؤثر بر روی کارآفرینی (که بر اساس مبانی نظری در مدل‌سازی آورده شده‌اند)، می‌توان گفت که افزایش در تولید ناخالص داخلی سرانه، بهبود در شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات و درجه باز بودن تجاری تأثیر مثبت بر شاخص کارآفرینی داشته است. افزایش سطح تولید از طریق زمینه‌سازی رقابت بیشتر بین بنگاه‌ها، سبب تسهیل ورود بنگاه‌های جدیدی می‌شود که در زمینه تولید محصول خاص جدیدی، تخصص دارند. بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند با افزایش سرعت، افزایش دقت، ایجاد امکان کار تمام‌وقت، ایجاد امکان همکاری از راه دور و کاهش هزینه‌های سازمان، انگیزه کارآفرینی را افزایش دهد. آزادسازی تجاری نیز از طریق انتقال تکنولوژی از طریق واردات کالاهای سرمایه‌ای پیشرفته و دسترسی تولیدکنندگان داخلی به بازارهای بزرگ خارجی و بین‌المللی، رقابت‌پذیری تولیدکنندگان و بنگاه‌های کارآفرین داخلی در بازارهای جهانی را افزایش داده و زمینه‌های بهبود در فعالیت‌های کارآفرینی را فراهم می‌کند.

همان‌طور که در ادبیات موضوع بیان شد، توسعه کارآفرینی در جوامع نیازمند وجود شرایط و فضایی است که وفور منابع می‌تواند موجب تخریب آن‌ها شود. به عنوان مثال وفور منابع طبیعی امکان بزرگ شدن دولت و مداخله آن در اقتصاد، گسترش فساد و هم‌چنین محدود شدن فعالیت‌های تجاری را کاهش می‌دهد. این موارد بطور مستقیم در مدل‌های تعیین‌کننده کارآفرینی وارد شده است. نتایج نشان می‌دهد که مخارج نهایی مصرفی دولت به صورت درصدی از تولید داخلی (که شاخصی از اندازه دولت می‌باشد) از طریق سازوکارهایی نظیر فعالیت‌های بودجه‌ای، سیاست‌گذاری و تنظیم سیاست‌ها، قوانین و تصدی‌ها تأثیر منفی بر توسعه کارآفرینی داشته است.

بر اساس مطالعات زیادی از جمله اونیملیچ و همکاران^۱ (۲۰۱۴)، وجود فساد در جامعه فعالیت‌های کارآفرینانه را تضعیف می‌کند. نتایج حاصل از مطالعه حاضر نیز نشان می‌دهد، موفقیت در کنترل فساد بر نرخ کارآفرینی نوپا تأثیر مثبت داشته است. از سوی دیگر، بسیاری از بررسی‌ها از جمله آرزکی و بروختر^۲ (۲۰۰۹) و بالتاچاریا و هودلر^۳ (۲۰۱۰) حاکی از آن است که وجود وفور منابع موجب گسترش انواع فسادها و رانت‌خواری در جوامع می‌شود. لذا می‌توان نتیجه

1 - Avnimelech & et al.

2 - Arezki & Brukner

3 - Bhattacharyya & Hodler

گرفت که وفور منابع طبیعی از این کانال نیز می‌تواند، موجب تضعیف فعالیت‌های کارآفرینانه گردد.

بنابراین می‌توان گفت برای کنترل پیامدهای منفی رانت منابع طبیعی در محدود کردن فعالیت‌های کارآفرینی باید کانال‌های اثرگذاری (منفی) آن را شناسایی و با اصلاح این بسترها، زمینه توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه را افزایش داد. لذا می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

۱- با توجه به روند رو به پایان منابع نفت و گاز و معدنی با توجه به ماهیت تجدیدنشدنی آنها، باید نظام بودجه‌ریزی کشور به سمت استقلال از تأمین از این منابع حرکت کند. نوسانات قیمتی و وجود جانشین‌های زیاد برای این منابع (با توجه به ماهیت غیر دانش‌بنیان آنها) نیز همواره منابع بودجه‌ای کشور را با ریسک‌های بزرگی روبرو می‌سازد. توجه به عملکرد صندوق توسعه ملی طبق برنامه توسعه، اقدام اولیه در این مسیر محسوب می‌شود.

۲- تسهیل فضای کسب‌وکار و رقابتی نمودن آن با اقداماتی از قبیل مقررات‌زدایی، کاهش بوروکراسی اداری، حمایت‌های قانونی، اعطای تسهیلات با بهره کم جهت تأمین سرمایه در گردش، افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه و نیز افزایش بهره‌وری.

۳- آزادی اقتصادی فضای ملی اقتصاد را به شرایط حاکم بر بازارهای جهانی نزدیک می‌سازد و زمینه حضور شرکت‌های داخلی در صحنه بین‌المللی را فراهم می‌سازد. این امر تأثیر عمیق و بلندمدت بر فعالیت‌های کارآفرینانه خواهد گذاشت.

۴- حرکت به سمت جهانی‌کردن اقتصاد با پیش‌نیاز تولید رقابتی و انتقال تکنولوژی با سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی برای رونق فعالیت‌های کارآفرینانه الزامی است. الحاق به سازمان جهانی تجارت برای کشور ایران می‌تواند وسیله‌ای برای تحقق توسعه اقتصادی ایران به حساب آید.

۵- ایجاد و توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات از طریق ایجاد توسعه زیرساخت‌های فناوری، شبکه‌های کسب‌وکار، بازاریابی شبکه‌ای، فروش الکترونیک و جریان شفاف اطلاعات در اقتصاد به توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه کمک خواهد نمود.

۶- ایجاد تغییرات نهادی از جمله ایجاد دولت پاسخگو، ارتقای شفافیت دولتی، کنترل فساد و ارتقای کیفیت مقررات و حاکمیت قانون برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه ضروری است. کاهش حجم دولت در این مسیر می‌تواند راهگشا باشد.

منابع

۱. آذربایجانی، کریم. اشراقی، عاطفه و رنجبر، همایون، (۱۳۹۲)، تأثیر متنوع‌سازی صادرات، توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی (مورد کشورهای D8)، اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی.
۲. ابراهیمی، محسن و سالاریان، محمد، (۱۳۸۸)، بررسی پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکننده نفت و تأثیر حضور در اوپک بر رشد اقتصادی کشورهای عضو آن، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ششم، شماره ۱، ۱۰۰-۷۷.
۳. زالی، محمدرضا. رضوی، سیدمصطفی. یداللهی، جهانگیر و کردنائیج، اسدالله، (۱۳۸۹)، ارزیابی وضعیت کارآفرینی در ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۴. سلمانی، بهزاد و یآوری، کاظم، (۱۳۸۴)، رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی: مورد کشورهای صادرکننده نفت، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳۷، ۲۴-۱.
۵. فیض، داود. زارعی، عظیم و کریمی، بهاره، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های کوچک و متوسط (پیمایشی پیرامون شرکت‌های کوچک و متوسط شهرک صنعتی سمنان)، فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۵، شماره ۲، ۱۷۰-۱۵۱.
۶. عسکری، محسن، (۱۳۸۹)، تأثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و دموکراسی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۳، ۱۹۷-۱۸۲.
۷. کاجی، فرشته، (۱۳۸۶)، روش گشتاورهای تأمین یافته در مدل‌های پانلی پویا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۸. کاظمی ترقبان، مریم و مبارکی، محمدحسن، (۱۳۹۱)، بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از رویکرد میانگین‌گیری بیزی، فصلنامه توسعه کارآفرینی، دوره پنجم، شماره سوم، ۱۴۴-۱۲۵.
۹. کاظمی، علیرضا و شکیبیا، علیرضا (۱۳۹۳)، بررسی عوامل تأثیرگذار در ایجاد نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی (تحقیق موردی: شرکت هپکو)، شرکت هپکو.
۱۰. مدرسی عالم، زهره و داودی، آزاده، (۱۳۹۳)، شاخص‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی و ارزیابی آن در ایران طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۷)، فصل‌نامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال دوم، شماره ۸، ۱۴۶-۱۲۵.

۱۱. محمودی مفید، محمد و منجم زاده، نازلی، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر و رتبه‌بندی ابعاد شخصیت روی کارآفرینی، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت راهبردی، دوره ۲۰، شماره ۵۶، ۱۶۰-۱۳۳.

12. Acs, Z. and Audretsch, D. B. (1990). *Innovation and Small Firms*. Cambridge: MIT Press.
13. Ades, A. and Tella R. D. (1999). Rents, Competition and Corruption. *Journal of American Economic Review*, 98(4), 982-993.
14. Aidis, R., Estrin, S. and Michiewicz, T. M. (2012). Size Matters: Entrepreneurial Entry and Government, *Journal of Small Business Economics*, 39(1) 119-139.
15. Akanni, O. P. (2007). Oil Wealth and Economic Growth in Oil Exporting African Countries, AERC (African Economic Research Consortium) Research Paper 170, Nairobi, URL: <http://opendocs.ids.ac.uk/opendocs/handle/123456789/2576>.
16. Akeju, K. F. and Olanipekun, D. B. (2014). Unemployment and Economic Growth in Nigeria, *Journal of Economics and Sustainable Development*, 5(4), 138-144.
17. Albulescu, C. T. and Tamasila, M. (2014). The Impact of FDI on Entrepreneurship in the European Countries, *Journal of Procedia-Social Behavioral Sciences*, 124, 219-228.
18. Alexeev, M. and Conrad, R. (2010). The Natural Resource Curse and Economic Transition. Center for Applied Economics and Policy Research, Working Paper NO.018-2009.
19. Anokhin, S. and Schulze W. S. (2009). Entrepreneurship, Innovation and Corruption. *Journal of Business Venturing*, 24(5), 465-476.
20. Arezki, R. and bruckner, M. (2009). Oil Rents, Corruption and State Stability: Evidence from Panel Data Regressions, MIF Working Paper No. 09/267.
21. Arellano, M. and Bond, S. (1991). Some Test of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and Application to Employment Equations, *Review of Economic Studies*, 58, 277-297.
22. Arellano, M. & Bover, O. (1995). Another Look at the Instrumental Variable Estimation of Error Component Models, *Journal of Econometrics*, 68, 29-51.
23. Auty, R. (2001). The Political Economy of Resource-Driven Growth. *Journal of European Economic Review*, 45(4-6), 839-846.
24. Avnimelech, G., Zelekha, Y. and Sharabi, E. (2014). The Effect of Corruption on Entrepreneurship in Developed Vs Non-developed Countries, *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 20(3), 237-262.
25. Baland, J-M. and Francois, P. (2000). Rent-Seeking and Resource Booms. *Journal of Development Economics*, 61(2), 527-542.
26. Barbosa, N. and Eiriz, V. (2009). The Role of Inward Foreign Direct Investment on Entrepreneurship, *Journal of International Entrepreneurship and Management*, 5(3), 319-339.
27. Baumol, W. J. (2004). On Entrepreneurship, Growth and Rent-Seeking: Henry George Updated. *Journal of the International Honor Society in Economics*, 48(1), 9-16.
28. Behbudi, D., Mamipour, S. and Karami, A. (2010). Natural Resource Abundance, Human Capital and Economic Growth in the Petroleum Exporting Countries, *Journal of Economic Development*, 35(3), 81-102.

29. Bhattacharyya, s. & hodler, r. (2010). Natural resources, democracy and corruption, *European economic review*, 54(4), 608-621.
30. Birch, D. (1987). *Job Creation in America: How Our Smallest Companies Put the Most People to Work*. New York: The Free Press.
31. Bjorvatn, K. and Farzanegan, M.R. (2013). Demographic Transition Resource Rich Countries: ABlessing or a Curse?. *Journal of World Development*, 45, 337-351.
32. Black, S. E. and Strahan, P. E. (2002). Entrepreneurship and Bank Credit Availability. *Journal of Finance*, 57(6), 2807-2833.
33. Blundell, R. & Bond, S. (1998). Initial Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models, *Journal of Econometrics* 87, 115-143.
34. Boschini, A. D., Pettersson, J. and Ronie, J. (2007). Resources Curse or Not: A Question of Appropriability. *Scandinavian Journal of Economics*, 109(3), 593-617.
35. Brunnschweiler, C. (2008). Cursing the Blessings? Natural Resource Abundance, Institutions and Economic Growth, *Journal of World Development*, 36(3), 399-419.
36. Cavalcanti, T., Mohaddes, K. and Raissi, M. (2011). Growth, Development and Natural Resources: New Evidence Using a Heterogeneous Panel Analysis, *Journal of the Quarterly Review of Economics and Finance*, 51(4), 305-318.
37. Cheol Cin, B., Kim, Y. and Vonortas, N. (2013). The Impact of Government R&D Subsidy on Firm Performance: Evidence from Korean SMEs, *Asian Research Policy Symposium, "Asian Model of Innovation: Innovation and Creative Economy*, Seoul, Korea.
38. Choi, Y. R. and Phan, P. H. (2006). The Influences of Economic and Technology Policy on the Dynamics of New Firm Formation, *Journal of Small Business Economics*, 26(5), 493-503.
39. Dias, J. and McDermott, J. (2006). Institutions, Education, and Development: The Role of Entrepreneurs. *Journal of Development Economics*, 80(2), 299- 328.
40. Ding, N. and Field, B. C. (2005). Natural Abundance and Economic Growth, *Journal of Land Economics*, 81(4), 496-502.
41. Dipietro, W. R. (2015). Natural Resource Rental Income and R&D Intensity, *Advances in Social Sciences Research Journal*, 3(1), 202-208.
42. Djankov, S., Ganser, T., McLiesh, C., Ramalho, R. and Shleifer, A. (2010). The Effect of Corporate Taxes on Investment and Entrepreneurship. *American Economic Journal: Macroeconomics*, 2(3), 31-64.
43. Ebeke, c. and Omgba, L. D. (2011). Oil Rents, Governance Quality, and the Allocation of the Talents in Developing Countries. *Centre d'etudes et de Recherchessur le Developpment International (CERDI)*.
44. Farooq Hussain, M., Afzal, A., Asif., Ahmad., Naveed, and Bilal, R. M. (2011). Impact of Innovation, Technology and Economic Growth on Entrepreneurship, *American International Journal of Contemporary Research*, 1(1), 45-51.
45. Farzanegan, MR. (2014). Can Oil Rich Countries Encourage Entrepreneurship, *Journal of Entrepreneurship and Region Development*, 25(9-10), 706-725.
46. Farzanegan, MR. (2012). Resource Wealth and Entrepreneurship: A Blessing or a Curse? HYPERLINK''http://works.bepress.com/mr_farzanegan/22'' , Joint Discussion Paper Series in Economics, 24.
47. Gray, C. and Kaufmann, D. (1998). Corruption and Development. *Journal of Finance and Development*, 35(1), 7-10.

48. Gylfason, T. (2001). Natural Resource and Economic Growth: What is the Connection?. CESifo Working Paper. No.530.
49. Hause, J. C. and Du Rietz, G. (1984). Entry, Industry Growth, and the Microdynamics of Industry Supply. *Journal of Political Economy*, 92(4), 733-757.
50. Henrekson, M. (2005). Entrepreneurship: A Weak Link in the Welfare State. *Journal of Industrial and Corporate Change*, 14(3), 437-467.
51. Karl, T. L. (1997). *The Paradox of Plenty : Oil Booms and Perto-States*. University of California Press, Berkeley.
52. Klapper, L., Amit, R., Guillén, M. F. and Quesada, J. M. (2007). Entrepreneurship and Firm Formation Across Countries. *World Bank Policy Research, Working Paper NO.4313*.
53. Melo, L. and Quinn, M. A. (2015). Oil, Foreign Direct Investment an Corruption, *The International Journal of Business and Finance Research*, 9(1), 33-49.
54. Olayelem, B. F. (2010). *The Resource Curse: a State and Provincial Analysis*, Department of Economics University of Victoria, Resource Economics and Policy Analysis Research Group, REPA Working Paper, NO.2010-01.
55. Papyrakis, E. and Gerlagh, R. (2007). Resource-Abundance and Economic Growth in the United States. *European Economic Review*, 51(4), 1011-1039.
56. Papyrakis, E. and Gerlagh, R. (2004). The Resource Curse Hypothesis and its Transmission Channels, *Journal of Comparative Economics*, 32(1), 181-193.
57. Parker, S. C. (2004). *The Economic of Self-Employment and Entrepreneurship* (Cambridge: Cambridge Universiry Press).
58. Robinson, H., Tovrik, R. and Verdier, T. (2006). Political Foundations of the Resource Curse. *Journal of Development Economics*, 79, 447-468.
59. Ross, M. L. (1999). The Political Economy of the Resource Curse. *Journal of World Politics*, 51(2), 297-322.
60. Sachs, J. and Warner, A. (1995). The Big Push, Natural Resources Booms and Growth. *Journal of Development Economics*, 59(1), 43-76.
61. Sachs, J. and Warner, A. (1997a). Sources of Slow Growth in African Wconomics. *Journal of African Economics*, 6(3), 335-380.
62. Sachs, J. and Warner, A. (1997b). Natural Resource Abundance and Economic Growth. Center for International Development and Harvard Institute for International Development, Working Paper.
63. Sachs, J. and Warner, A. (1999a). The Big Push, Natural Resources Booms and Growth. *Journal of Development Economics*, 59, 43-76.
64. Sachs, J. and Warner, A. (1999b). Natural Resource Intensify and Economic Growth In Mayer Jorg Chambers Brain and Ayisha.
65. Sachs, J. and Warner, A. (2001). Natural Resources and Economic Development, *The Curse of Natural Resource*. *European Economic Review*, 45, 827-838.
66. Sala-i-Martin, X. and Subramanian , A. (2003). Addressing the Natural Resource Curse: An Illustration from Nigeria. *NBER Working Paper NO.9804*. Cambridge, Mass.
67. Torvik, R. (2002). Natural Resource, Rent Seeking and Welfare. *Journal of Development Economics*, 67(2), 455-470.

